

بسم الله الرحمن الرحيم

تشنه معرفت ـ دریای بی‌کران

حاصل آنکه: اگر قساوت و تیرگی قلب مانع از تأثیر پندهای شفاعت در تو می‌گردد و اگر روز به روز در خود خسران می‌یابی پس بر علیه این قساوت قلب از عبادت دائمی شبانه و شب زنده‌داری و نماز و روزه زیاد و آمیزش کم و کم‌گویی و صلۀ ارحام و لطف به یتیمان کمک‌گیر و بر نوحه و ناله و گریه مواظبت کن و در این امر به پدرت آدم (علیه‌السلام) و مادرت حوا اقتدا کن و از مهربانترین مهربانان کمک بخواه و به گرامی‌ترین گرامیان توسل بجو زیرا مصیبت تو بس بزرگتر و گرفتاری تو بسیار عظیم است، چاره‌جویی‌ها از تو گسسته و اسباب از تو دور گشته پس هیچ طریقی و هیچ مطلبی و هیچ فریادرسی و هیچ پناهی جز به سوی خدای تعالی نیست شاید او به ناداریت رحم کند و به فریادت رسد و دعایت را اجابت کند زیرا اوست که دای بیچاره‌ای که او را می‌خواند اجابت می‌کند و امید کسی را که به او چشم امید بسته است ناامید نمی‌کند و رحمت او واسع و نعمت‌های او پی در پی و لطف او همه‌گیر و احسان او قدیم است و او نسبت به کسی که چشم امید به او دارد کریم و بخشنده است، پروردگارا اجابت فرما.

(تذکره المتقین، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 27)

معنی مجاهده این است که اول باید ایمان بیاوری به اینکه «اعدا عَدُوٌّ» تو نفس توست، که سرمایه تو در تصرف اوست، و متصرف در ارکان وجود تو است با شیاطین خارجه که ا صدقاء و و شرکاء او هستند پس باید خیلی باهوش باشی.

(تذکره المتقین، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 26)

معنی مراقبه کشیک نفس را کشیدن است، که مبدا اعضاء و جوارح را به خلاف وادارد و عمر عزیز را که هر آنی از آن بیش از تمام دنیا و مافیها قیمت دارد ضایع بگرداند.

(تذکره المتقین، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 26)

اگر حال داری در آن حال باید قدر آن حال بدانی و ضایعش نکنی و الا بعد از ضایع شدن هیئات دیگر آن را دریابی و بالجمله اگر بویی بخواهی از آدمیت بشنوی باید مجاهده کنی که سخت‌تر از جهاد با اعداء است. عرفاء این جهاد را موت احمر می‌نامند.

(تذکره المتقین، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 26)

ترک کردن گناهان و این همان چیزی است که بنای تقوی بر آن استوار است پایه دنیا و آخرت بر آن پی‌ریزی گشته و مقربان به وسیله هیچ چیزی بالاتر و برتر از ترک معصیت به خداوند نزدیک نگشته‌اند.

(تذکره المتقین، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 23)

پس بدان ای برادر عزیز که تو هیچگاه از گناهی که با اعضا و جوارحت صورت می‌گیرد مانند: غیبت و آزار و بهتان و خیانت چشم و غیر اینها از انواع گناهان دیگر خالی نیستی بر فرض اگر از چندین گناهانی هم سالم باشی پس حداقل از افکار پریشانی که آدمی را از یاد خدا غافل می‌کند خالی نیستی و جمالش و شگفتیهای

آفرینشش و افعال او در امان نیستی و شکی نیست که همه اینها نقصی است در تو که واجب است از این نقصان بازگردد و از این روست که توبه بر تو در هر آنی لازم است.

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 14)

بدان ای برادر من! اینکه توبه از معاصی اول طریق سالکین الی الله است و رأس المال فائزین (سرمایه رستگاران) است و کلید استقامت مریدان است و اصل نجات است و به توبه نگهداشته می شود از هلاکت و آیات و اخبار صحاح در فضل آن وارد، و کفایت می کند در مدح آن، قول اصدق الصادقین، جل شأنه، : **ان الله يحب التوابين**، (همانا که خداوند توبه کنندگان را دوست دارد) و قول النبی صلی الله علیه و آله: **التائب من الذنب کمن لا ذنب له**، (آن کس که از گناه توبه کند مانند کسی است که گناه ندارد).

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 11)

عبادت بی حضور یورث قساوة القلب (موجب قساوت قلب می گردد) اگر از اهل ذکر باشد، خوبست اوائل امر، ذکرش استغفار باشد و در اواسط، ذکر یونسیه، یعنی: **لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمين**. (معبودی جز تو نیست، منزهی تو، همانا من از ستمکاران بودم) و در اواخر، کلمه طیبه: **«لا اله الا الله»** بشرط الاستمرار مضافاً علی الحضور. باری...

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 24)

بالجمله شخص باید عیجو و عیگو نباشد، که این صفت فی حد نفسه از صفات مهلکه است، و چیزی که انسا نرا آرام می کند از عیجویی دیگری، آنست که معایب خود را ملتفت با شد، و ببیند چقدر سخت است از خودش دور کردن عیبی از عیب عیوب، آن وقت ببیند که دیگری هم مثل این مبتلاست چه باید کرد؟

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 23)

و حمل افعال غیر بر فساد و کشف اسرار و معایت او نزد مردم هو الحركة الناشئة من الحقد و الحسد الباطنيين لا متلاء باطنه منهما فاذا اغتتما فرصة رشح الباطل من باطنه الي ظاهره، (این حرکتی است ناشی از کینه و حسد درونی، باطنش از آن دو پر گشته پس هر گاه حسد و کینه درونی او فرصتی یابند، باطل از درون او به ظاهرش ریزش می کند) زیرا که «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 34)

مرد آنست که حیاء او غالب بر شهوتش باشد، و مهربانی او بالنسبه به مردم غالب بر حسدش باشد و عفو او غالب بر کینه اش باشد، باری:

«ترسم آزرده شوی ورنه سخن بسیار است»

اگر موفق شوم می نویسم کیفیت سلوک با اهل و عیال و اولاد و خدام و عبید را «ان شاء الله و لو علی سبیل الاختصار».

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 38)

الحاصل، عمده مطالب اینکه شخص چه در امر اولاد، چه در امر زن، چه رفیق، چه در امر سایر مسلمانان، باید نظر او نظر طبیب مشفق باشد، ببیند چه نحو اصلاح به دین و دنیای اوست، آن نحو سلوک نماید، و اِلّا آداب معاشرت در کتب اخلاق مسطور است به آنجا رجوع شود.

اگر چه این اوراق را حقیر دستورالعمل برای شخص عامی می‌نوشتم، ولیکن کسان دیگر هم اگر مراجعه نمایند شاید بی فایده نباشند.

(تذکرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 43)

از خواب بین الطلوعین هم او را منع کند، لیکن نافعاً فی لونه و مزاجه و ذکاوته و رزقه، (تا در رنگ و مزاج و هوش و روزی او سودمند باشد)

و علی ای حال او را از پرخوابی منع کند، چه اینکه خواب بسیار او را قبیح المنظر و بلید می‌گرداند، در روز خوب است نخوابد و نباید او را در جای نرم و سایر نازک‌کاری‌ها عادت بدهد، تا بدن صلب (محکم و استوار) گردد و خشن شود و او را حتی‌الامکان عادت به حلویات و میوه‌های خوب ندهد، مگر قدر قلیلی.

بعضی از بزرگان فرموده‌اند: اینگونه اغذیه در بدن مورث مرض می‌گردد.

(تذکرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 47)

مقصود اصلی از خلق انسان معرفة الله و الوصول الي درجة حبه و الانس به و لا يمكن حصول هذين الامرین الا بتصفية القلب (مقصود اصلی از خلقت انسان شناخت خدا و رسیدن به درجه دوستی و انس با خداست و رسیدن به این دو غرض جز با تصفیه و پاک نمودن قلب ممکن نمی‌باشد) و آن هم ممکن نبود که کف النفس عن الشهوات و الانقطاع من الدنيا الدنیه و ايقاعها علي المشاق من العبادات ظاهریة و باطنیة (نگه داشتن نفس از هواهای نفسانی و بریدن از دنیای پست و افکندن نفس بر مشقتها و سختی‌های عبادات ظاهری و باطنی). از اینجا بوده که شارع مقدس عبادات را یک نَسَق نگردانیده، بلکه مختلف جعل کرده؛ زیرا که به هر یک از آنها ردیله‌ای از رذائل از مکلف زایل می‌گردد تا به اشتغال به آنها تصفیه تمام عیار گردد.

(تذکرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 56)

اما زاد و اعمال خارجیّه اوست که تعبیر از آن به تقوی می‌شود از فعل واجبات و ترک محرمات و مکروهات و اِتیان به مستحبات و اصل معنی تقوی پرهیز است که اول درجه آن پرهیز از محرمات است و آخر درجه آن پرهیز از ماسوی الله جل جلاله و بینهما متوسطات (و آخرین درجه آن پرهیز نمودن از غیر خدای بزرگ است و بین این دو درجه درجات دیگری نیز هست که آن درجات میانه‌اند).

(تذکرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 61)

و اما دلیل این راه اگر چه ائمه طاهرین سلام الله علیهم ادلاء علی الله (راهنمایان به سوی خدا) هستند و دلیلند، لکنه مع ذلک ماها از آن پستی تربیت و منزلت که داریم از آن بزرگواران هم اخذ فیوضات بلا واسطه نمی‌توانیم بکنیم، محتاجیم در دلالات جزئیّه و مفصله به علماء آخرت و اهل تقوی تا به یمن قدم ایشان و به تعلیم آنها درک فیوضات بنماییم که بی وساطت آنها درک فیض در کمال عُسرت و تعذّر است و لذا محتاج به علماء هستیم پیش خود کار درست نمی‌شود.

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 63)

نعمت دنیوی دلیل بر تقرب نیست، از فراعنه سابقه معلوم شده جَسَّاء، بل نعمت دنیوی مُهلک است و مَبْعَد عن الله جل جلاله. (آدمی را از خداوند بزرگ دور می‌کند)

و از اینجاست که آن اطبای نفوس پرهیز دارند اولیاء خود را از التذاذات دنیویه، همچنان که پدر مهربان طفل عزیز خود را پرهیز دهد در حین مرض از اطعمه لذیذه به جهت تحصیل صحت او - یا للولد. (به خاطر دوستی فرزند).

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 76)

و بعضی از مغرورین قَسَقَه از اهل حقند تازه از جهت حلم الهی و عفو او و فضلش و اخری از جهت مدحی که در رجاء وارد شده؛ و بعضی از آنها به جهت نسبی که دارد مثل ذریه علویه (سلام الله علیه) همین قدر که سید است؛ مغرور به سیادت است. بیچاره دیگر نمی‌داند که اگر مسئله رجاء است، رجای بی عمل غلط محض است؛ زیرا که اگر فقط رجاء کافی بود حضرات(علیهم‌السلام) بدان مقدسه خودشان را اینقدر به تعب و مشقت نمی‌انداختند و در عمل نمی‌کوشیدند و استراحت را بر خود حرام نمی‌کردند و شب و روز هی تضرع و زاری و ابتهال نمی‌نمودند.

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 77)

هرگز از تاریکی‌های غرور آرزو خارج نمی‌شوی مگر با ناله و زاری کامل و بازگشت راستین به سوی خداوند و فروتنی در مقابل او و شناخت عیب‌ها و کاستی‌های خود، از جهت این‌که این عیوب با علم و عقل و دین و شریعت و سنت امامان هدایت سلام الله علیهم اجمعین موافقتی ندارند.

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 86)

تأمل درستی نماید ببیند بنده است یا آزاد، اگر دید آزاد است خودش می‌داند، که هر کاری بخواهد بکند و اگر دانست بنده است، و مولی دارد، سر خود نیست، هر کاری بکند، ولو دستی حرکت دهد از وی جهت آن سؤال خواهد شد، جواب درستی باید بگوید. پس بنابراین باید سعیش در تحصیل رضای مولایش باشد، اگر چه دیگران راضی بر آن کار نباشند ابداً، و تحصیل رضای مولای حقیقی - جل شأنه - نیست مگر در تحصیل تقوی.

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 87)

غرض اصلی از خلقت حاصل نخواهد شد به جز اینکه معرفت و محبت میان عبد و مولا باشد، و تحصیل تقوی محتاج به چند چیز است که چاره ندارد از آنها: یکی پرهیز از معاصی است، باید سعی را تفصیلاً یاد بگیرد، هر یک را در مقام خود ترک نماید، که از جمله معاصی است ترک واجبات، پس باید واجبات خود را هم به مقدار وسع و ابتلاء به آنها یاد گرفته عمل نماید، و این واضح است که با معصیت کاری اسباب محبت و معرفت نخواهد شد، اگر اسباب عداوت نباشد.

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 87)

اینکه مهما ممکن پرهیز از مکروهات هم داشته باشد، به مستحبات بپردازد، حتی المقدور چیز مکروه به

نظرش حقیر نیاید، بگوید کل مکروه جایز (هر کار مکروهی جایز است) بسا می شود یک ترک مکروهی پیش مولی از همه چیز مقربتر واقع خواهد بود، یا اِتیان مستحب کوچکی، و این به تأمل در عرفیات ظاهر خواهد شد.

(تذکره المتقین، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 88)

ترک مباحات است و غیر مقدار لزوم و ضرورت؛ اگر چه شارع مقدس خیلی چیزها را مباح کرده برای اغنیاء، اما چون در باطن میل ندارد بنده او مشغول به غیر او باشد از امورات دنیویه و لذا خو بست بنده هم نظراً ارتکاب به آنها اقتداء بالنبین (علیهم السلام) و تأسیاً بالأئمة الطیبین الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین.

(تذکره المتقین، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 88)

ترک ما سوي الله بکند و در قلبش غیر یاد او چیزی نباشد.

(تذکره المتقین، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 88)

مخلص کلام این که در هر مرتبه که هستی آن نیم رمق که داری آنقدر را به سهولت می توانی، به عمل آوری اگر در آن مسامحه نکردی، آن را به جا آوردی یک چنین هم بر قوت تو می افزاید، بلکه زیاده، زیرا که فرمود: تو یک وجب بیا، من یک ذراع، و اگر نه؛ مسامحه کردی، آن مقدار قوت هم در معرض زوال است.

(تذکره المتقین، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 90)

شب را تا صبح خوابیدی بنای بیداری داشتی، نشد، حالا که اول صبح است، تا ملتفت شدی، پا شو! بین الطلوعین را بیدار بودن، این خودش فیض علی حدّه و توفیقی است از جانب حضرت اله جل جلاله این را به مسامحه بر خودت تقویت مکن، به شیطان گوش مده که می گوید: حالا به وقت نماز صبح زیاد است، قدری بخواب، غرض او معلوم است.

(تذکره المتقین، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 90)

در مجلسی نشست، خیلی لغو و بیهوده گفתי، دلت سیاه شد، اما می توانی نیم ساعت زودتر پا شوی، به تدبیر و حیل (چاره اندیشی ها) پس این نیم ساعت را از دست مده، پا شو برو، و مگو چه فایده ای دارد، من از صبح به خرابی مشغولم؛ باز می توانی به این جزئی خیلی از کارها پیش ببری. ان شاء الله تعالی.

(تذکره المتقین، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 90)

هر کاری دارد باید اوقات خود را ضایع نکند، بعضی از وقت او مهمل در برود، باید هر چیزی وقتی قرار دهد؛ اوقات او منقسم گردد؛ وقتی را باید وقت عبادت قرار دهد، هیچ کاری در آن وقت غیر از عبادت نکند، وقتی را وقت کسب و تحصیل معاش خود قرار دهد، و وقتی را رسیدگی به امور اهل و عیال خود، و وقتی را برای خور و خوراک خود قرار دهد، ترتیب اینها را به هم نزند تا همه اوقات او ضایع گردد.

(تذکره المتقین، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 90)

مهما امکن اول شب را وقت خواب قرار دهد، بیخود ننشیند، آخر شب از او فوت شود، و متذکراً او را خواب ببرد، با طهارت بخوابد، ادعیه مأثوره (دعاهایی که از معصومین علیهم السلام رسیده است) را بخواند.

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 91)

الحاصل تا اول شب را وقت عبادت قرار دهد، هیچ شغلی به جا نیاورد غیر از عبادت، کارهای دیگر را به آن وقت بیندازد، همه را در آذکار و آورد مشروعه مشغول باشد، اگر هنوز اهل فکر نشده باشد، و اما اگر مرورش به ساحت فکر افتاده، هر رشته فکری که در دست داشته، در خلال این اوقات اعمال نماید؛ اگر دید به سهولت فکر جاری است، پی فکر برود، عوض اوراد و تعقیبات، و اگر دید فکر جا مد است، آن را ول کرده، پی ذکر برود، و ملاحظه نماید هر عملی را که بیشتر در وی تأثیر دارد، آن را بر همه اوراد مقدم دارد؛ چه قرائت قرآن، چه مناجات، چه دعاء چه ذکر، چه نماز، چه سجده.

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 91)

و مهم‌امکن غالباً با طهارت باشد، بعد از نماز صبح صد مرتبه استغفار و صد مرتبه کلمه توحید و یازده مرتبه سوره توحید و صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجه‌م را ترک نکند، و استغفارات خاصه بعد از نماز عصر را بخواند با ده مرتبه سوره قدر، و مهم‌امکن روزه را ترک نکند، خصوص سه روز از هر ماه را که پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه وسط هر ماه است، اگر مزاج او مساعد باشد، و الا مراعات مزاج، اولی است.

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 92)

این سستی و این حیرت چیست؟ آیا درگاه او برای داخل شوندگان باز نیست؟ و آیا خیر او به طالبان خیر بخشیده نمی‌شود؟ آیا نغرموده: من تقدم الي شبراً اقدم اليه ذراعاً. (هر که یک وجب به سوی من پیش آید من یک ذرع به سوی من می‌شتابم) آیا کلام او نیست: لو علم المدبرون كيف اشتياقي بهم لماتوا شوقاً (همانا آن کس که به سوی او کوچ کند راهش نزدیک است).

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 99)

پس چاره‌ای نیست (مگر اینکه آدمی) مزاجی معتدل و میانه یابد و به آداب شرع مؤدب گردد و از گناهان ناراحت باشد و آنان را ترک کند و پاکدامن و راستگو و دوری کننده از فسق و فجور و نیرنگ و خیانت و مکر و حيله باشد. زیرا که تمام اخلاق مقدمه معارف است، بعد علم الفقه، هیچ رکنی از ارکان شریعت نباید در زمین بماند و تأویل در ظواهر آن بشود، و وظایف آنها هر کدام در محل خود باید ایتیان بشود، تارک الصلوة را بل تارک النوا فل را دم از عرفان زدن غلط اندر غلط است.

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 103)

ندانم این سستی در امر آخرت و این بی حالی در اطاعت از ائمه که عقول طاهره‌اند چیست؟ آیا مرگ که امری حتمی است و وارد شدن بر خداوند را فراموش کرده‌اید؟ در حالی که مرگ در یک لحظه پایه‌های خوشی‌های شما را در هم می‌شکند و بنیان غرایز شما را ویران می‌سازد، آیا یاد مرگ شما را دنیا بیزار و به سوی آخرت جلب نمی‌کند؟ آیا پیامبر(ص) که راستگویان راستگویان است نغرموده: هر که در روز و شب بیست مرتبه به یاد مرگ افتد با شهدای جنگ احد محشور خواهد شد. آیا یاد مرگ را در کمال سودمندی و تأثیر نیافته‌اید؟ شاید مانع شما از یاد مرگ اشتغال قلب شما به غیر خدا (یا غیر مرگ) و آماده نبودن برای سفر آخرت است و گرنه شکی نیست که همت شخص مسافر جز در تهیه اسباب و آمادگی برای سفر مصروف نمی‌گردد.

(تذكرة المتقين، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 115)

پس کسی که در حال فراغت اندیشه کند حتماً باید سرورش نسبت به دنیا و شهوات آن کم گردد و آرزویش خوار و سبک شود و دلش از لذات دنیا باز ماند. پس خردمند کسی است که خود را برای مرگ پیراسته کند و خویشتن را برای بهره بردن و درود آماده سازد، اگر می‌خواهی این حال برایت حاصل شود در احوال مردگانی که نظیر تو بوده‌اند تفکر کن آنانکه با آرزوهای طولانی و حالات بد خود در شهوات فرو رفته بودند (بین) چگونه از انس عشرت به وحشت هجران و از وسعت قصرها به تنگناهای قبرها و از پاکیزگی و خوش صورتی به زشت منظری و بد سیرتی انتقال یافتند با زبان رسا و نمکین از قبرش بپرس و بگو سوگند به خدا ای قبر آیا زیبایی‌های او از بین رفت؟

(تذکره المتقین، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 116)

الحاصل گدایی را گفتند: ول مکن تا هیچوقت محتاج نباشی، از گدایی خیلی کارها ساخته می‌شود. غرض از مجاهده، خود را عاجز دانستن و به معرض گدایی در آوردن است. و الله العالم.

(تذکره المتقین، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 125)

به غواصان این دریا، یعنی اهل دنیا از اولین و آخرین نظر نما و بین که همگی در آن غرق شده، احدي به قعر آن نرسیده، و اگر بهتر می‌خواهی بفهمی، به حال خراب خودت نگاه کن و بین که هر قدر داشته باشی، باز زیاده از آن را طالبی و حرصت در جایی توقف نمی‌کند.

(تذکره المتقین، عارف کامل شیخ محمد بهاری(ره)، ص 160)

ای آقای من، این دنیا چگونه مردم را به خاک سیاه نشانده، و قلوب ایشان را که برای محبت و معرفت خلق شده، طویله اسب و استر نموده، جوارحشان از قاذورات گندیده و دلهایشان آنی خضوع و خشوع ندیده، و ذره‌ای ذوق حلاوت طاعت را نچشیده، نه در نهادشان از توبه اثری، و نه در اوهام تفکر نجس ایشان از خداوند جل جلاله خبری، شب و روز به سیف و سنان لسان، عریض و مال و عصمت مسلمانان را پاره پاره می‌کنند، قلوبشان خالی از ذکر و فکر و مملو از حيله و مکر است، دست عقل را بسته و دست هوا را گشاده چه زخم‌ها از آن دست‌ها بر کبد دین رسیده، و چه مصیبت‌ها در شرع شریف بر پا شده.

(تذکره المتقین، حاج ملاحسینقلی همدانی(ره)، ص 160)

پس ای برادران من از خوابتان بیدار شوید و در عاقبت کار خود اندیشه کنید و بدانید که هیچ چاره و گریزی از مجاهده و تلاش نیست، جوانی و خانه و اثاث و کالاهایتان شما را نفریبد، اینها و بال هستند و عاقبتشان وخیم است. پس پیش از اندوه (یا گناه) به توبه مبادرت کنید و پیش از تمام شدن مدت به گریه و نوحه تمسک جویید. از بین برنده لذتها یعنی مرگ را همواره پیش رو داشته باشید و در شب‌های تاریک در مورد مرگ بسیار اندیشه کنید و به خود ستم نکنید.

(تذکره المتقین، حاج ملاحسینقلی همدانی(ره)، ص 170)

گاهی امر می‌کنند که طلب جاه کن تا به چاهت بیندازند و گاهی مال جمع کن، تا گرفتار مالت کنند، و چنان به نظرت جلوه داده‌اند که جاه امریست مرغوب، و مال چیز است مطلوب، و تو نمی‌دانی که طالب جاه در دنیا و آخرت به چه مراتب خواهد افتاد، و به چه نفاق‌ها و تزویرها مبتلا خواهد شد، امان از خانه‌هایی که به حکم نحسش خراب می‌شود، و فریاد از مال‌هایی که به امر نجس او به غارت می‌رود، و چه قلب‌های مظلومان را

شکسته و چه خانمانها را به نیش ظلم تار و پودشان را از هم گسسته، زبانش دائماً در فحش و غیبت و استهزاء و دروغ و خودستایی و وعده و وعید و ایذاء مسلمانان و آزار مردمان.

(تذکرة المتقين، حاج ملاحسینقلی همدانی(ره)، ص 171)

تمام سفارشات این بینوا به تو اهتمام در ترک معصیت است. اگر این خدمت را انجام دادی، آخر الامر تو را به جاهای بلند خواهد رسانید، البته البته در اجتناب از معصیت کوتاهی مکن و اگر خدای نخواستہ معصیت کردی، زود توبه نما و دو رکعت نماز بجا آور، و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار کن، و سر به سجده بگذار و در سجده از حضرت پروردگار عفو بخواه، امیدوارم عفو بفرماید.

(تذکرة المتقين، حاج ملاحسینقلی همدانی(ره)، ص 174)

معاصی کبیره در بعضی رساله عملیه ثبت شده، یاد بگیر و ترک نما و زناهار پیرامون غیبت و دروغ و اذیت مگرد، اقلأً یک ساعت به صبح مانده، بیدار شو، و سجده به جا بیاور و آنچه در منهاج النجاة مرحوم ملا محسن فیض رضوان الله جل جلاله علیه مذکور است، کافی و شافی است از برای عمل شب و روز تو به همان نحو عمل نما، و سعی کن که عمل و ذکر، به محض زبان نباشد، و با حضور قلب باشد، که عمل بی حضور اصلاح قلب نمی‌کند، اگر چه ثواب کمی دارد البته البته از غذای حرام فرار کن، مخور مگر حلال، غذا را کم بخور، یعنی زیاده بر حاجت بنیه مخور، نه چندان بخور که تو را سنگین کند، و از عمل باز دارد، و نه چندان کم بخور، که ضعف بیاورد، و به سبب ضعف از عبادت مانع شود، و هر چند بتوانی روزه بگیر، به شرطی که شب جای روز را پر نکنی.

(تذکرة المتقين، حاج ملاحسینقلی همدانی(ره)، ص 175)

الحاصل، غذا به قدر حاجت بدن ممدوح و زیاده و کم هر دو مذموم، و شروع کن به نماز با قلب پاک از جقد و حسد و غل و غش مسلمانان و لباس و فرش و مکان نمازت باید مباح باشد.

(تذکرة المتقين، حاج ملاحسینقلی همدانی(ره)، ص 175)

به بایست به نماز، ایستادن بنده در حضور مولای جلیل با گردن کج و قلب خاضع و خاشع و بعد از فریضه صبح هفتاد مرتبه استغفار و صد مرتبه کلمه طیبہ توحید و دعای صباح مشهور بخوان، و تسبیح سیده نساء را بعد از فریضه ترک مکن.

(تذکرة المتقين، حاج ملاحسینقلی همدانی(ره)، ص 175)

و هر روز هر قدر بتوانی لااقل یک جزء قرآن با احترام و وضو و خضوع و خشوع بخوان و در بین خواندن حرف مزین، مگر در مقام ضرورت و در وقت خواب شهادت را بخوان و آیه الكرسي و یک مرتبه فاتحة و چهار مرتبه سوره توحید و پانزده مرتبه سوره قدر و آیه شهد الله بخوان و استغفار هم مناسب است، و اگر بعضی از اوقات بتوانی سوره مبارکه توحید را صد مرتبه بخوانی بسیار خوب است، و از یاد مرگ غافل مشو.

(تذکرة المتقين، حاج ملاحسینقلی همدانی(ره)، ص 175)

دست بر گونه راست گذاشته، به طرف راست با یاد خدا بخواب و از وصیت کردن غافل مشو، و ذکر مبارک «لا

الله الا انت سبحانک اني كنت من الظالمين» را هر قدر بخواني و در هر وقت بسيار بگو، اولاً در شب و شب جمعه در هر یک صد مرتبه سوره مبارکه قدر را بخوان و دعای کميل را در هر شب جمعه ترک مکن.

(تذکرۃ المتقين، حاج ملا حسینقلی همدانی(ره) ، ص 176)